

کلام منتهی شده است به آخرین تنبیهی که در بحث خبر واحد به آن اشاره می کنیم و آن هم مطلبی است اساسی که هم دارا یفائده اصولی است و هم دارای فائده رجالی و حدیث شناسی است تنبیه این است که ببینیم حد اعتبار کتب اربعه روایی ما تا کجا است جایگاه روایی این چهار کتاب تا چه حدی است از مهمترین این چهار کتاب یعنی کتاب شریف کافی شروع می کنیم مجموعاً چهار نظریه در مورد روایات کافی است نظر اول که منسوب است به برخی از اخبارین این است که تمام روایات کافی قطعی الصدور است یعنی گویا مثل روایات متواتره است همانگونه که روایات متواتره به معنایی قطعی الصدور بودن است روایات موجوده در کافی هم قطعی الصدور است هیچ جای شک و تردید در صدور این روایات از معصوم نداریم این یک نظر، نظر دوم که متعادل تر از نظریه اول است می گوید روایات کافی قطعی الصدور نیست ولی تمام این روایات واجد شرایط حجیت است چون مرحوم کلینی در ابتدای کتابش شهادت داده است به اعتبار و حجیت و صحت روایات کتابش، نظر سوم این است که این نوع شهادت ها هیچ تاثیری ندارد تمام روایات کافی باید سنداً بررسی شود و لو به جایی منتهی شود که تعداد زیادی از این روایات از نظر سندی محکوم به ضعف شوند باید تک تک این روایات مثل کیب دیگر بررسی شود، نظر چهارم که عقیده بنده است و بر آن هم اصرار دارم این است که کتاب کافی مهمترین منبع روایی شیعه است نویسنده اش هم بع تعبیر نجاشی اوثق اهل زمانه است و شهادتی را

که کلینی داده است نمی توانیم کلاً کنار بگذاریم و معتقدیم در جمع بندی به روایات موجود در کافی داده می شود هم باید سند ملاحظه شود هم منبعی مثل کافی هم شهادت کلینی هم متن روایت تا ببینیم تا در مجموع آیا روایت نمره قابل قبولی دارد یا ندارد این را بعداً توضیح مفصل تر خواهیم داد اما نظریه اول که منصوب است به برخی از اخبارین و آن اینکه تمام روایات کافی قطعی الصدور است بطلان این نظریه واضح است نیازند به بررسی و بحث و ادامه دادن این نظریه نیست ادعا قطع بر صدور این همه روایت بسیار سخت است چگونه باور کنیم همه این روایات قطعاً و جزماً از معصوم صادر شده است مرحوم محقق خوئی در ابتداء معجم الرجال الحدیث این نظریه را واضح البطلان می شمارد، اما نظریه دوم و سوم و چهارم محتاج بررسی است همه این سه نظر متوقف است بر اینکه آن دیباجه و مقدمه کافی مورد لحاظ قرار بگیرد خواهند گفت این مقدمه قبل از نگارش کافی نوشته نشده است شواهدی است که کتاب که نوشته شده است مرحوم کلینی آن مقدمه را بر آن نوشته است در آن مقدمه مرحوم کلینی می فرماید شخصی که تو نامه ای نوشته ای و به من گفته ای که در امر دینم مشکلاتی دارم و حق برای من واضح نیست من مشاهده می کنم بین روایات شیعه تعارض هست تفاوت هست نتوانسته ام حق را پیدا کنم از شما می خواه با نگارش کتابی مرا راهنمایی کنید فقد فهمت یا اخی ما شکوت و ذکرت پلایه تو در مورد اموری که بیان کردی فهمیدم و ذکرت آن اموراً قد اشکلت علیک لا تعرف حقائقها لاختلاف روایت فیها روایات چون متعارف و مختلف بوده است نتوانسته ای که حق را تشخیص دهی و انک تعلم ان اختلاف راوی فیها لاختلاف علل ها و اسباب ها

اختلاف هایی که تو سوال کننده اشاره کردی ریشه و اسباب گوناگون دارد، گاهی تعارض ریشه در اشکال در نقل دارد گاهی تعارض ریشه در تقیه دارد هرگز منشا تعارض را نباید نعوذ بالله جهل و تناقض گویایی ائمه ع دانست برادر من تو برای من نوشته ای که در شهری زندگی می کنی که کسی در دست رس تو نیست که پرسشهای دینی و فقهی ات را از او بپرسی کسی در شهر تو نیست که به اطمینان داشته باشی به علم او وثوق داشته باشی بتواند پاسخ گوی تو باشد و مرجع سوالات تو باشد و قلت انک تحب ان تکن عندک کتاب کافی یجمع فیه من جمیع فنون علم دین مایکتفی به المتعلم به من نوشته ای که دوست داری که کتابی در دسترس تو باشد کتابی کافی و جامع ، کافی باشد که دانشجو و دانش طلب بدان مراجعه کند و برای او کافی باشد مسترشد کسی که دنبال رشد و ترقی است این کتاب او را بس باشد جامع باشد یعنی جمیع فنون علم دین را از اعتقادات و احکام و اخلاق در آن بیابی و یاخذ منه من یرید علم دین ، کسی که بخواهد دنبال دانس علم دینی برود منبعش این کتاب کافی و جامع باشد تو برادر من از من کتابی خواسته ای که متبا عملت باشد آن هم چگون عملی و العمل به بالآثار الصحیه عن الصادقین ع کتابی که اگر به آن کتاب عمل کنم به آثار صحیحه صادره صادقین عمل کردم و سنن الصادقه الی علیه العمل کتابی که اگر مبنای عمل من قرار گیرد به شیوه ها و سنت ها و روش های استوار نبوی و ائمه ع عمل کرده ام و بها یودی فرض الله عز و جل و نبیه (ص) به ایت آثار صحیحه الصادقین که در این کتاب کافی و جامع است بتوانی واجب الهی را از عهده بر آیی توانی عمل بر طبق سنت پیغمبر ص کنی و قلت لو

كان ذلك رجوت ان يكون ذلك سببا يتدارك الله تعالى بمعونه و توفيقه اخواننا و اهل  
ملتنا ، به من نوشته ای کتابی بنویس کافی و جامع که نتنها مخاطبش من باشم این  
کتاب به دست دیگران برسد و برادران و خواهران ایمانی من و اهل شیعی از این  
کتاب بهره ببرند و یقبل بهم الی مرادهم اینها را به رشد و نمو هدایت کند این نامه  
تو بود به من ، و قد یسر الله و له الحمد ت ایف ما سالت خداند وسائلش را مهیا کرد  
من آنچه را تو میخواستی نوشتم از این جمله استفاده می شود این مقدمه بعد از  
تالیف کتاب نوشته شده است و قد یسر الله و له الحمد تالیف ما سالت و ارجو ان  
یکون بحیث تخویت امید آن دارم که این کتاب همان باشد که از من انتظار داشت  
ای تو می خواستی کتابی کافی کتابی جامع کتابی مشتمل بر آثار صحیحه عن  
الصادقین ع کتابی که راهنمای عمل به دین و سنت باشد هم برای تو هم برای  
دیگران این انتظار تو بود امید دارم که انتظارت را با نوشتن این کتاب برآورده کرده  
باشم فمهما كان فيه من تقصير فلم تقصر ن یتننا فی اهداء نصیحه من که معصوم  
نیستم ممکن است در این کتاب خطایی از من سر زده باشد اما خطائی من ناشی از  
سوء نیت نیست من قصد خیر خواهی داشتم سوء نیت نداشتم ام در نیت من  
تقصیری نبوده است بله احتمال در خطای در عمل می دهم ولی بدان خیر خواهم اذ  
کانت یعنی آن نصیح ت واجبه لاهواننا و اهل ملتنا، من باید خیرخواه شیعیان باشم  
نباید در نیت من خیانت و تقصیر باشد و این را به تو تضمین می دهم و اگر هم عملم  
بر خطا بوده نیستم بی خطا و پاک بود و خالص بوده، مع ما رجونا ان نکون مشارکین  
لکل من اقتصر منك، برادر من هم یک آرزو دارم آرزوی من این است که هرکس به

این کتاب مراجعه کرد حدیثی از آثار صحیحہ از صادقین را مطالعه کرد و بر طبق حدیث عمل کرد و به سیرہ معصومین رسید و آن را الگو قرار داد و ثواب برد من ہم در آن ثواب شریک باشم و عمل بما فیہ فی دهرنا هذا و قابره الی انقضاء دنیا ، من امید دارم در این زمانی کہ حضور دارم و ہم تا قیام قیامت تا انقضاء دنیا کہ مردم به این کتاب روی می آورند من ہم در اجر و پاداش آنها سهمیم باشم من کتابی ننوشتم فقط برای تو فقط برای مردم عصر تو من کتابی برای دین نوشتم اذ رب جل و عز واحد دینی کہ به خدای واحد دعوت می کن د و رسول محمد خاتم نبین ص ( واحد ، این زمان و آن زمان ندارد خدا یکی است و رسول ہم پیغمبر همگان است و الشریعۃ واحده و حلال محمد ص حلال و حرامہ حرام الی یوم القیامہ اینها تغییر نمی کند من دلم می خواهد آیندگان از این کتاب جاودانه استفاده کنند به عبارت دیگر این کتاب ہم کافی است ہم جامع است ہم برای مردم خودم ہم برای آیندگان لذا از خداوند می خواهم در اجر و پاداش عمل به این کتاب سهمیم باشم ، بعد می فرماید کہ کتاب الحجۃ را مفصل تر نوشتم چون می خواستم سهم بهتری به این مبحث مهم داشته باشم ، تا اینجا می رسد بعد شروع می کند به اینکه تو ریشه سوالت این بود کہ اختلافی بین روایات است فعلم یا اخی ارشدک الله انه لا یسع احدا تمیز شی من ما اختلف روایہ فیہ عن العلماء ع برایہ ، مبادای اختلافی در روایات مشاهده کردی از پیش خودت در روایات علماء مراد اهل بیت است سخنی بگویی باید راه ح ل اختلاف بین احادیث را ہم از خود آنها بگیری آنها گفته اند باید روایات را به کتاب کریم عرضه کنی فقد وافق کتاب الله فخذہ آنچه مخالف است کنار بگذارید این راه ائمه

است از پیش خود حل معزله نکن و نیز این معیار که فرموده اند دعوی ما وافق القول و ان الرشد فی خلافهم ، شما اگر دو روایت مخالف دیدی و مشاهده کردی یکی با عامه موافق است یکی مخالف به آن مخالف عمل کنید این دو معیار و نیز این معیار که خذوه بالمجمع علیه فان المجمع علیه لا ریب فیه اگر دو روایت دیدی یک روایت شاذ و نادر که از طرف بزرگان طائفه طرح شده و روایتی را دیدی که به آن عمل کرده اند و قبولش کرده اند به این روایت اخذ کن ببین در اخذ به روایات قرآن مخالفت با عامه و مجمع علیه معیارت باشد ولی این را بدان که تشخیص این سه معیار خود معزله ای عظیم است و ما از این معیار های ثلاث کمش را می دانیم و نحن لا نعرف من جمیع ذلک الا اقله من کلینی می گویم این که بخواهیم همه جا به ضرس قاطع این سه معیار را تطبیق کنیم توانای علمیش را ندانیم راه حل من برای برخورد تو با روایات متعارض این است و لا نجد شیاً احوط و لا اوسع من رد علم ذلک کله الی الامام ع آنچه که تو را در مضیغه دینی و اخروی قرار نمی دهد راه برون رفت از معزله تعارض هست که احوط هم هست چون باید در امر دینت احتیاط به خرج بدهی هیچ چیز بهتر از آنچه که نمی دانی منکر نشوی ، جعل و دروغ نپنداری به صرف اینکه یک حدیث را نفهمیدی رد نکنی بلکه علمش را به اهلش واگذاری ، و قبول ما وسع من الامر فیه به قوله بای ما اخذتم من باب تسلیم وسعکم ، ائمه ع راه تخییر را برای شما باز گذاشتن اگر دیدید دو روایت با یکدیگر تعارض دارد یقین به ترجیح از راه کتاب و مخالف با اهل سنت پیدا نکردی به هر کدام که عمل کردی تورا بس است و قبول است من کوشش خودم را کردم با ز اگر دیدی بین روایات در این کتاب تعارضی

مشاهده می شود راحت ترین کاری که برای معرفی می کنم تخییر است که می  
توانی به هر کدام از این روایات عمل کنی ولی بدان آنچه را با عقلت حل کنی و  
مشکلی در فهم تو بود رد نکن جعل و دروغ نپندار و علمش را به اهلش واگذار و اهل  
آن عمل نیستند مگر ائمه هدی (ع) هستند.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

جلسه ۱۲۳

۱۴۰۰/۹/۳